

# پاکدامنی و عفت

ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن  
 وفرج (کافی از امام محمد باقر - ع)  
 : پروردگار جهان هرگز به برتر و بالاتر  
 از عفت شکم و فرج عبادت نشده است

☆ کلمات مرده و بیجان

☆ این شکست اخلاقی از کجا بوجود آمد

☆ کاسه از آتش داغ تر

☆ میعاد گاههای عشاق تهران

## کلمات مرده و بیجان

کلمه «زنده و مرده» نوعاً در موجودات جاندار گفته میشود. اگر در موجود جاندار  
 داری جنبش و حرکت دیدند گویند: زنده است، می جنبد؛ فعالیت دارد و اگر عین و اثری از  
 حرکت در او ندیدند میگویند مرده است.

اگر از موجودات جاندار بگذریم دیده میشود که این کلمه زنده و مرده در حقایق بیجان  
 هم استعمال میگردد مثلاً میگویند زبان بر دو گونه است زبان زنده و آن عبارت است از  
 زبانی که نوشتن و خواندن و حرف زدن ملتی و یا ملت هائی بوسیله آن صورت پذیرد هر کس  
 این زبان را بلد باشد بهر کجا که برود میتواند مقاصد خود را نمایان سازد.

ولی قسم دوم زبان مرده است و آن عبارت است از زبانی که نوعاً سخنگویی باین زبان  
 پیدا نشود. چنین زبانی مرده است گرچه آن زبان دارای اسلوب صحیح و قواعد متقنی باشد.  
 چه وقتی زبانی از گفتن و نوشتن افتاده باشد چنین زبانی را باید مرده دانست. تعالی وانحطاط  
 ملت‌ها در زنده و مرده بودن زبان‌ها اثر عمیقی دارد چه بسیار است شکست‌های  
 نظامی که شکست‌های زبان را بوجود آورده است.

این حقیقتی که بدان اشاره شد در خود یک زبان هم وجود دارد برخی از کلمات روی

برخی از علل رونق و رواج بیشتری مییابد و در عوض برخی از کلمات دیگر همین زبان از رواج افتاده در گفت و شنود نام و نشانی از آن کلمه دیده نمیشود.

آنچه ما بخاطر داریم در زمان های پیشین برخی از کلمات استعمالات فراوانی داشته ولی امروزه در اثر پیشرفت هایی که نصیب نسل حاضر شده عین و اثری از آنها دیده نمیشود... در سابق کلمه برده و غلام و کنیز زیاد استعمال میشد در اجتماعات بشری افرادی باین کلمات خوانده میشدند یکی از امته بازار در گذشته برده فروشی بود و قلم درشتی از صادرات تجارتی شمرده میشد ولی زمانی که برده فروشی ممنوع و منسوخ گردید این کلمه نیز استعمال خارجی خود را از دست داده در خانه خود (کتاب لغت) بقاعده نشست.

مشابه این کلمات که در دیر روز گذشته در ردیف کلمات زنده جای داشتند و اکنون دوران احتضار خود را میگذرانند بسیار است یکی از آنها کلمه «عفت» است. پیش از آنکه تمدن کاباره غرب بسرزمین ما وارد شود این کلمه در تمام شئون اجتماعی ما جای داشت، همه جا استعمال میشد. خاصه در میان طبقات زنان اعم از زن و دختر این کلمه موقعیت خاصی داشت.

دختران شوهر نکرده درباره این کلمه بسیار اندیشه میکردند افعال و حرکات خود را با این کلمه مطابقت میدادند، در اجتماع احترام زیادی برای این کلمه قائل بودند. اگر حیانا در گوشه و کناری حرکتی زشت و زننده دیده میشد نوع افراد اجتماع بعنوان اینکه این حرکت با عفت عمومی سازگاری ندارد بمخالفت بر میخواستند و آن عمل را ممنوع و حرام میدانستند... این کلمه در تمام شئون اجتماعی راه داشت در خانه؛ در کوچه، در بازار، در گفت و شنود آثار وجودی آن نمایان بود وقتی دختری میخواست بخانه شوهر برود بزرگترین جهیزیه ای که تازه عروس بخانه داماد می برد عبارت بود از سرمایه عفت و عصمت ولی از آن روزیکه آزادی بی بندوبار غربی در اجتماع و شئون زندگی ما راه پیدا کرد آغاز محدودیت این کلمه بود هر چه مظاهر تمدن غربی در اجتماع مایشتر میشد محدودیت این کلمه فراوان تر میگردد و چه نسبت میان این دو متعاقب کس مییابد امروزه کاربرد آنجا کشیده شده است که میبایستی بدون اغراق اعتراف کرد که بسیاری از مواردی که این کلمه بکار میرود استعمال خود را از دست داده است آثار وجودی این کلمه از میان رفته است. عفت دختران و پسران، عفت زنان و مردان؛ عفت فردی و اجتماعی عفت زبان و عفت قلم همه و همه از میان رفته است و اگر گفته شود که باز این کلمه از استعمال نیفتاده است چه در اجتماع کنونی باز در سر زبانها آورده میشود در جواب باید گفت متأسفانه معنایی که امروزه از کلمه نجابت و عفت بخاطر هها میگردد با آن مفهومی

که در دیروز گذشته از این کلمه بدست می‌آمد مغایر می‌باشد چه امروزه اگر دختری بتمام آداب و رسوم تمدن عصری آشنائی داشته و بطرز معاشرت و رفت و آمدهای اجتماعی آشنا باشد گویند دختری است با ادب و اگر دختری از چنین مسائلی اطلاع نداشته و از این نوع معاشرت‌ها بی‌زار باشد گویند دختر ترك بی ادب و بی حیائی می‌باشد . . . . . چنین دختری نامش در ستون دختران اهل ضبط خواهد شد . . . . . البته ناگفته نماند که این پدیده عصری در طبقه خاصی رواج کامل دارد ولی در بسیاری از خانواده‌ها هنوز اصول اصلی و اساسی عفت رعایت می‌گردد . . . این شکست اخلاقی از کجا بوجود آمد ؟!

به یقین میتوان گفت که یکی از عواملی که در شیوع این بی‌عفتی و بی‌حیائی مؤثر بوده و تأثیرات عمیقۀ آن‌را حتی ملل جهان تصدیق دارند عبارت است از «سینما و تلویزیون» . . . . . تعلیم و تربیتی که بوسیله دیدن حاصل میشود هرگز قابل مقایسه باشنیدن و استماع کردن نمی‌باشد و علاوه بر این اثرات این عوامل در موقفی که دختران و پسران اجتماع در بحرانی‌ترین دوران عمر خود می‌باشند بسیار شدید می‌باشد .

وهین آشنائی با محیط سینماست که اذهان دختران و پسران را مشوب می‌کند و نتیجتاً این گروه از جوانان صحنه‌های زندگی خود را بروی رفتار و حرکات هنرپیشگان سینما قرار میدهند در اصول اخلاقی و کیفیت معاشرت از آنها پیروی و تقلید مینمایند و بتابگفته یکی از شخصیت‌های برجسته هنوز بسیاری از زنان و دختران اجتماع ما نمیدانند که وضع و حال زنان غربی با هنرپیشگان مغایرت دارد چه این گروه از هنرمندان برای بدست آوردن منافع مادی مانند عروسکان خود را بزک کرده با وضع زننده‌ای خود را در سینما ظاهر می‌سازند و وظیفه هنرمندی خود را انجام میدهند و چیزی که در نظر این گروه از هنرمندان ارزشی ندارد همان مسائل اخلاقی و عصمت و عفت فردی و اجتماعی است .

آری یکی از خطاهای دختران ما اینست که دروس زندگی خود را از سینما شروع میکنند و این خطای بزرگی است که زیان‌های جبران ناپذیری دارد روی همین نکته است که پسران ادای هنرپیشگان مرد و دختران ادای هنرپیشه‌گان زن را در می‌آوردند .

غافل از اینکه شاید بهمان مقداری که برخی از زنان و دختران اجتماع ما آرزوی دیدار و برخورد بعضی از هنرپیشگان را دارند و دلشان میخواهد که از نزدیک قدم‌بالای برخی از هنرپیشگان را در انداز کنند به همین نسبت و شاید هم بیشتر بسیاری از زنان غرب از دیدار هنرپیشگان نفرت داشته در هنگام برخورد با آنها روی خود را از آنها پرمی - گردانند چه اینان عفت و حیای اجتماعی و فردی را باز بچه‌تر داده‌اند .



### کاسه از آتش داغ تر

یکی دیگر از علل این فساد و تباهی آزادی بی حد و حصر دختران و پسران مامی باشد کسانی که بکشورهای غربی سفر کرده و وضع و روحیات افراد آن ممالک را بررسی کرده مورد مطالعه قرار داده اند همگی باتفاق میگویند که در ممالک غرب دختر تا مادامی که بخانه شوهر نرفته است آزاد است ولی چون قدم درزندگی خانوادگی گذارد و بخانه شوهر وارد شد دوران مقید بودن او آغاز میشود در این وضع دیگر عین و اثری از آزادی بی بند و بار دیده نمیشود .

در زمان گذشته وضع خانواده‌ها چنین ایجاب میکرد که دختران ماری و تعالیم دینی و تربیت خانوادگی اصولاً از آزادی مطلق محروم بودند و قوانین اخلاقی و مذهبی حدود اختیارات آنها را تعیین کرده بود و اگر بخانه شوهر میرفت باز این وضع چندان تفاوتی نمیکرد ولی آنچه مسلم است این نکته است که در برخی از خانواده‌ها این تعالیم اخلاقی از میان رفته و سنن و آداب غربی جای آنرا گرفته است روی این اقتباس دختران پیش از ازدواج از آزادی مطلق برخوردار میباشند و از همه جالبتر اینکه این بهره برداری از آزادی پس از ازدواج هم ادامه دارد و اینجاست که یکبار دیگر مثل معروف کاسه از آتش داغ تر خود نمائی مینماید

### میعاد گاههای عشاق تهران

برای اینکه خوانندگان ارجمند گفتار ما را مبالغه آمیز ندانسته و تصدیق کنند که این امر واقعیت داشته و گوشه کوچکی از فساد اخلاقی اجتماعی عیان گردد ناچار خوانندگان عزیز را بقاله‌ای که « در اطلاعات هفتگی » تحت عنوان « میعاد گاههای عشاق تهران کجاست » متوجه میکنیم و چون این مقاله مفصل است لذا بفرزانه‌ای از آن اکتفا میشود :  
 عده‌ای از دختران و پسران بی آنکه از حقیقت زندگی بوئی برده باشند اسیر احساسات خود شده بدنبال هوسهای زودگذر و بچگانه خود میروند و بقول خود عاشق میشوند هیچ شکی نیست این عشقها خیلی زود فراموش میشود و غالباً اثر و نتیجه‌ی جز ندامت و پشیمانی ندارد .

سپس نویسنده از میعاد گاههای عشاق تهران نام برده نام خیابان‌ها را یکایک می‌شمارد و طرز برخورد آنها را بیان میکند و ضمناً اعتراف میکند که سینماهای تهران نقش عمده‌ای را در زندگی عاشقانه مردم عاشق پیشه تهران بازی میکند و بهترین اوقات برای اینکار از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر است در این ساعات تمام صندلیها بوسیله عشاق اشغال شده است آنوقت

این نویسنده از خیابانها و سینماها و اتومبیل گذشته میگوید تلفن هم یکی از وسائل روابط عاشقانه است و طبق اظهار یک مقام مطلع از اداره تلفن روزانه بیش از ده هزار تلفن عاشقانه در تهران می شود و اگر روزی این تلفن ها کنترل شود بسیاری از روابط عاشقانه و اسرار مگو بر ملاء می شود در خانه نویسنده از مدار انصاف خارج نشده اعتراف میکند که در تهران روی هم رفته صدی چهل روابط عاشقانه بعلت اخلاق متنوع پسند مردان پس از یکی دوماه سرد و خاموش می شود صدی چهل نیز باختلاف و نزاع و دادسرا میکشد و صدی بیست به ازدواج منجر میگردد و متأسفانه فراوان دیده شده است که اینگونه ازدواجها نیز پایان خوشی نداشته و بجدائی انجامیده است یکی از نکات برجسته این مقاله اعترافی است که نویسنده ضامن نموده میگوید هشتاد و پنج درصد این جوانان را دانشجویان؛ دانش آموزان و کارمندان ادارات تشکیل میدهند و البته آغاز این صحنه ها با ازسینما یا از مجله و یا از دانشگاه و بالاخره از جلوی در دبیرستان دخترانه می باشد .

از همه بدتر اینکه نویسنده میگوید اکنون دختران و زنان خود را در ابر از عشق علنی معق دانسته بسیاری از جوانان نامه های متعددی از جانب دختران دریافت میکنند که در آن جوانان را بیعناد گاه عشق دعوت کرده اند .

در اینجا خوبست درشته سخن را متوجه زنان بیدار و هشیاری که دم از آزادی زده برای رسیدن بکرسی و کالت تلاش میکنند نموده از آنها سؤال شود آیا شرکت در مجلس شوری و قبول و کالت برای شما ارزش واقعی دارد یا اینکه هر یک از این بانوان مجانی و بلاعوض بعنوان راهنمای دختران در دبیرستان های دختران شرکت کرده و حقایق زندگی را برای آنها تدریس میگردید و می اساسی هوسهای زود گذر آنان را تشریح مینمودید؟ کدامیک از این دو ضروری است و اگر از پذیرفتن این سمت افتخاری معذور بودید لایق از بنیان گذاران فرهنگ تقاضا میکردید که خوبست یکصدم از مخارجی که برای تربیت جسمی دختران بعنوان ورزش بمصرفی میرسد برای تربیت روحی دختران و بسران اختصاص داده میشود .

و اما در اینج آزادی زنان شوهر دار عفت قلم و موقعیت مجله از چمنند اجازه نمیده در این باره سخن بمیان آید ولی خوانندگان عزیز خود میدانند و در روزنامه ها خوانده اند که افسر جوانی در شیران زن خود را هدف گلوله قرار داد و خود نیز بادی گلوله خود کشتی کرد و هر دو فدای بهره برداری از آزادی های بی حد و خصر شد ندیچه . میگویند این افسر با غیرت زن